

# راز بیستون

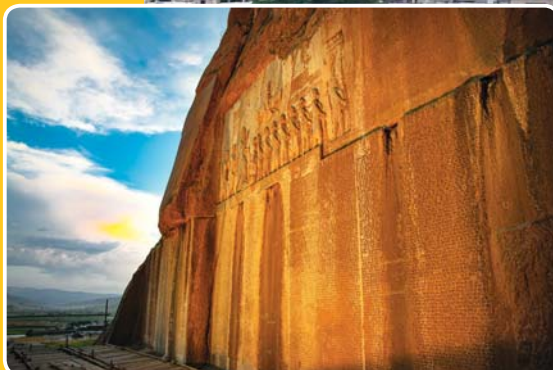
داریوش، وقتی از سرکوب مخالفان و مدعیان حکومت فراغت یافت، دستور داد تا آنچه در ۱۴ ماه ابتدای سلطنت بر او گذشته را در کتیبه‌ای بر سینه کوه بیستون نقش کنند. این کتیبه در نزدیکی شهر کرمانشاه، در مسیر راه‌های اصلی آن دوران و کنار چشمه بیستون نقش شد.

اما کتیبه او ظاهراً آن قدرها هم برای اطلاع مردمان آن دوران نقش نشده بود و گویی مخاطب آن آیندگان بوده‌اند. کتیبه جایی دور از دسترس و در ارتفاع ۱۰۵ متری از سطح زمین نقش بسته تا کسی نتواند به آن آسیبی برساند. به همین خاطر کاروانیانی که از کنار آن می‌گذشتند، اگر چشم تنگ می‌کردند، می‌توانستند تنها بخشی از نقش برجسته آن را ببینند.

اما آنچه این کتیبه را منحصر به فرد کرده، متن آن است. کتیبه بیستون طولانی‌ترین کتیبه فارسی است و اولین متن تاریخی ایران است که اتفاقاتی را گزارش می‌دهد. کتیبه‌ای که در فهرست میراث جهانی ثبت شده و میراث تمام مردم جهان به حساب می‌آید.

## راز کتیبه میخی

بخش بزرگی از کتیبه داریوش خط‌هایی هستند که ماجرای تصویرهای نقش برجسته آن را شرح می‌دهند؛ هر چند برای سال‌ها کسی نمی‌دانست که این خط‌ها چه می‌گویند. کتیبه بیستون با خط میخی و به سه زبان رایج امپراتوری هخامنشی، یعنی فارسی باستان، ایلامی و بابلی، روی صخره حکاکی شده است. موضوع آن تا سال ۱۲۱۵ شمسی مانند یک راز مخفی مانده بود. اما بالاخره یک علاقه‌مند به خط‌های باستانی آن را خواند و راز خط‌هایی را که شبیه تعدادی میخ هستند، بر ملا کرد.



## مردان کتیبه

بزرگ‌ترین مرد حاضر در کتیبه بیستون داریوش است. او پیش را روی پیکر مهم‌ترین مدعی حکومت، یعنی بردیای دروغین گذاشته و در مقابلش ۱۰ مرد هر کدام با لباسی متفاوت ایستاده‌اند. آن‌ها فرمانروایان بخش‌هایی از ایران هستند که پس از مرگ دومین پادشاه هخامنشی، شورش کردند و حاضر نشدند فرمانروایی داریوش را بپذیرند. اما داریوش در ۱۹ جنگ تک‌تک آن‌ها را شکست داد و این‌چنین به بند کشید.





### کدام بردیا؟

تاریخ‌نگاران درباره اسم و رسم مردی که زیر پای داریوش افتاده و دست‌هایش را چنین به التماس بالا برده، اختلاف نظر دارند. داریوش در کتیبه بیستون داستان به قدرت رسیدنش را چنین تعریف می‌کند: با مرگ کمبوجیه، دومین پادشاه هخامنشی، بردیای دروغین خود را برادر او خواند و بر تخت پادشاهی نشست. اما داریوش که پادشاهی را حق خود می‌دانست، او را از تخت به زیر کشید و به سزای عملش رساند. با این حال بعضی تاریخ‌دانان معتقدند مرد نگون‌بخت افتاده زیر پای داریوش، بردیا برادر کمبوجیه است که داریوش او را بردیای دروغین خواند تا تخت او را غصب کند.



### دیواره محبوب

کوه بیستون که در آن آثار و نقش برجسته‌های متنوعی از دوران‌های متفاوت تاریخی وجود دارد، یکی از پنج دیواره محبوب صخره‌نوردان دنیاست و با نام «بهشت گمشده» شناخته می‌شود. در این محوطه می‌توان از غار شکارچیان که در آن بقایای نخستین انسان ایرانی کشف شده است تا کاروان‌سرای شاه‌عباسی که قدمت آن به دوران صفوی می‌رسد را دید.

